

## «سیزده به در»

# در آیین‌های فرهنگ ایرانی

دکتر حسین تجدد

نوروزی به‌شمار می‌آورند. دوران جمشید دوران طلایی به‌شمار می‌آمده است، در آن دوران خوردنی‌ها کاهش نمی‌یافت، چارپایان و مردمان کم‌تر می‌مردند، گیاهان نمی‌خشکیدند و سرما و پیری و رشک وجود نداشت.<sup>۴</sup> در مورد نسبت دادن نوروز به جمشید ابوریحان بیرونی نیز می‌گوید: «به روایت گروهی از ایرانیان، جمشید پادشاه پیشدادی در شهرهای بسیار گردش نمود و چون خواست به آذربایجان داخل شود، بر سریری از زر نشست و مردم به دوش خود آن تخت را می‌بردند و چون پرتو آفتاب بر آن تخت تابید و مردم آن را دیدند، این روز را عید گرفتند.»<sup>۵</sup>

هم‌چنین از ابوریحان نقل است که بعضی از مردم از راه تیریک در آغاز بهار در تثنی جو کاشتند. سپس این رسم در میان ایرانیان پایدار ماند که روز نوروز در کنار خانه‌ی خود هفت نوع از غلات در هفت استوانه بکارند و از روییدن این غلات، خوبی و بدی زراعت و حاصل سالیانه را گمان بزنند.<sup>۶</sup>

بسیاری از آیین‌ها و رسم‌های گذشته، امروزه هنوز در آیین نوروزی ما زنده است. یکی از رسم‌های نوروزی، سبزکردن دانه‌های بعضی حبوبات است که بویژه زنان در ظروف گوناگون آن‌ها را می‌کارند و روز سیزدهم فروردین دسته جمعی به بیرون شهر رفته و آن را به آب روان می‌سپارند.

نوروز از لحاظ تشریفات در آثار باستانی، تقسیم‌بندی ویژه‌ی داشته است، مثلاً از روز نهم تا سیزدهم، بار همگانی شاهی برای پذیرفتن تمام گروه‌ها برگزار می‌شده است. در بعضی از کتاب‌های تاریخی آمده است که نوروز به مدت یک ماه بوده که آن را به دو بخش کرده‌اند، پنج روز اول آن را نوروز همگانی و بقیه‌را نوروز ویژه نام نهاده‌اند. اما یک ماه بودن نوروز در گذشته بیش‌تر شکل درباری داشته و در بین مردم بیش از سیزده روز نبوده است.<sup>۷</sup>

در دانشنامه‌ی **مزدیسنا** در مقابل لغت سیزده‌به‌در آمده است، روز سیزدهم نوروز در ایران، همگان برابر یک رسم به بیرون شهر رفته و به تفریح و گردش می‌پردازند تا به اصطلاح نحوست این روز را به در کنند.<sup>۸</sup> درباره‌ی فلسفه‌ی ایجاد سیزده‌به‌در، در میان فرهنگ‌پژوهان و صاحب‌نظران، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد.

شاید یکی از دلایل حفظ سیزده‌به‌در میان مردم به مناسبت هم‌نام بودن این روز با نام «تبستر» یا ایزد و ستاره‌ی باران بوده باشد و مردم برای نیایش و درخواست باران برای کشاورزی بیرون می‌روند. جشن تیرگان یا آبریزان در روز سیزده از ماه تیر «تیرآذر» برپا می‌کنند. هم‌اکنون نیز زرتشتیان این روز را جشن گرفته، با آب‌پاشیدن به یک‌دیگر نوای شادی سر می‌دهند.

و شاید هم‌چون می‌بایست مردم کارهای کشاورزی را آغاز کنند،

□ نوروز و آیین‌های مربوط به آن یکی از نشانه‌های بارز فرهنگ و تمدن این مرز و بوم است. باید دانست که جشن‌های مربوط به نوروز در امتداد و تکامل یک‌دیگر هستند و از مراسمی کوچک مانند خانه‌تکانی و چهارشنبه‌سوری و رویاندن سبزه و... تا سیزده‌به‌در، همه و همه نشان از نوعی نظم در آیین دیرپای ایرانی دارد.

در این نوشتار سعی شده است به مراسمی تحت عنوان «سیزده‌به‌در» پرداخته شود، مراسمی که در میان تیره‌های ایرانی در طول تاریخ دچار تحول و دگرگونی بسیار شده است. در روز سیزدهم فروردین، ایرانیان که در فلات ایران ساکن هستند، خانه و کاشانه را ترک کرده و به دشت و باغ و صحرا روی می‌آورند تا روزی خوش را با سبزه، میوه، تنقلات و شیرینی و ناهاری گونه‌گون همراه خانواده خود بگذرانند. این روز در نزد تیره‌های ایرانی با آیین‌ها و مراسمی ویژه‌ی برگزار می‌شود که در نوع خود دیدنی‌ست. نگارنده چه‌گونه‌ی ورود نحسی عدد سیزده را به فرهنگ ایرانیان بیان کرده‌ام، ولی ریشه‌ی اصلی پیدایش روز سیزدهم فروردین به روشنی در میان فرهنگ‌پژوهان، مشخص نیست. اما یک چیز برای همگان مشخص است که در قاموس و اندیشه‌ی ایرانیان باستان سیزده‌به‌در نحس نبوده و فلسفه‌ی پیدایش آن قطعاً نحسی عدد سیزده نمی‌باشد.

به‌راستی بدون شناخت نوروز که خود دربرگیرنده‌ی مراسمی مانند دید و بازدید و تحویل سال و سیزده‌به‌در است نمی‌توان آیین‌های مربوط به روز سیزده‌ی فروردین را مورد کنکاش قرار داد.

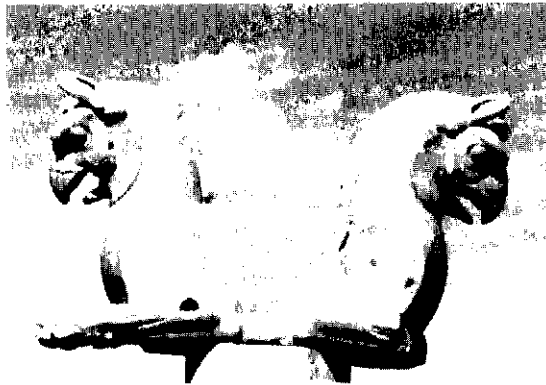
نوروز بزرگ‌ترین و بااهمیت‌ترین جشن ایرانیان از روزگار باستان تا امروز است و روز اول نوروز که با نام خداوند «هرمزد یا هورمزد» هم‌زمانی دارد، نزد ایرانیان از تقدس و بویژه‌ی برخوردار است.<sup>۱</sup>

آیین‌های نوروزی با بوی خوش فرح‌بخش بهاری همه ساله از نیمه‌ی اسفند در جای‌جای ایران زمین آغاز و تا پایان روز سیزدهم فروردین ادامه می‌یابد. نوروز یک سنت ایرانی‌ست که ریشه در تاریخ تمدن و فرهنگ این سرزمین باستانی دارد و در واقع مهم‌ترین حلقه‌ی پیوستگی تمام تیره‌های ایرانی است، البته هر یک از آداب ویژه‌ی نوروز یادآور رویدادی تاریخی‌ست. آداب و رسم‌های یک ملت به راستی شناسنامه‌ی آن ملت است.<sup>۲</sup>

بسیاری از پژوهشگران فرهنگی معتقدند که براساس مطالعات انجام شده، نوروز به هیچ دینی وابستگی ندارد و آیینی ملی - ایرانی‌ست، ولی باید دانست با رونق دین زرتشت در ایران، نوروز جنبه‌ی مذهبی به خود گرفت و در آیین زرتشت نوروز جشن ستایش و رفاه و مقدسات شد.<sup>۳</sup>

در بیش‌تر روایات اسطوره‌ی، دوره‌ی پیشدادی را زمان پیدایی نوروز دانسته و جمشید چهارمین پادشاه پیشدادی را بنیانگذار نوروز و آیین

جشن نوید رفتن به مزرعه بوده است. گروهی از صاحب نظران سیزده‌به‌در را برخاسته از هم‌زمانی این روز با فصل کارهای کشاورزی می‌دانند، در گذشته که پیشه‌ی بیشتر مردم کشاورزی به هدف اصلی آبادانی دشت و صحرا بوده است، هنگامی که نزدیک دو هفت روز از آغاز سال نو می‌گذشت، مردم سیزده‌های نوروزی سفره‌ی هفت‌سین را که آرام‌آرام به زردی می‌گرایید، همراه با



برطرف می‌شود که افراد سیزده سنگ ریز به پشت سر خود پرتاب کنند و از پروردگار بخواهند که بلا و آفت را در سال نو از سر آنان و عزیزان‌شان دور کند.<sup>۱۳</sup>

از آیین‌های دیگر سیزده‌به‌در، گره‌زدن سبزه به منظور برآورده شدن آرزوهای هر فرد است که شاید بیش‌تر برای جوانان این امر دارای جذابیت بوده است و منظور از برآوردن آرزو همان

تنگ ماهی سرخ‌رنگ در جوی آب روان رها می‌کردند و آب جوی سبزه‌ها را با خود می‌برد تا جایی که در گلوگاه پلی سبزه‌ها مسیر آب را مسدود می‌کردند و کشاورزی که در آغاز بهار می‌خواست به کرت‌ها و زمین‌های خود آب‌رسانی کند، سبزه‌ها را کنار می‌زد و آب را در کشتزارها جاری می‌ساخت. این‌طور که پیداست هدف از سیزده‌به‌در حاصل‌خیزی بیش‌تر کشتزارها و مزرعه‌ها بوده است و برعکس امروز که گاهی اوقات، در روز سیزده‌به‌در ضررهایی هم به طبیعت وارد می‌کنیم.<sup>۹</sup> سیزده‌به‌در در نقاط گوناگون دارای مراسم ویژه‌ی می‌باشد، از پوشیدن لباس‌های نو گرفته تا به آب‌دادن سبزه‌ها و خوردن کاهو سکنجبین و...

بازشدن بخت آن‌هاست. ولی همواره رشد سبزه‌ها را در نظر می‌گرفتند و اگر بعد از گذشت دو هفته از آغاز بهار سبزه‌ها دارای آن‌چنان رشد مناسب و خوب بوده‌اند که در خور گره زدن باشند، نشانه‌ی سالی پر بار خواهد بود و آن‌ها می‌توانند خرمن‌های خوبی داشته باشند و با پول آن‌ها زندگی‌های بهتری را آغاز کنند.

در گناباد، روز سیزده‌به‌در دختران دم‌بخت، ملکه‌بی برای خود انتخاب می‌کنند و به رقص و پایکوبی می‌پردازند. در همدان در روز سیزده‌به‌در بعد از بازگشت از صحرا دخترها سوار شیر سنگی می‌شوند و بر این باورند که این کار بخت آن‌ها را باز می‌کند.<sup>۱۴</sup>

هم‌چنین یکی دیگر از رسوم، پختن نوعی آش مخصوص است که در برخی نقاط در این شب به نیت در امان ماندن از حوادث روز سیزده تهیه کرده و بین سیزده همسایه تقسیم می‌کنند. در بعضی دیگر از مناطق در این روز به جای کاهو و سرکه، حلوائی مخصوصی از خرما به نام عسل حلو تهیه می‌نمایند. چون معتقدند که شادی را می‌بایست با شیرینی جشن گرفت.<sup>۱۵</sup>

از دیگر باورهای این روز، نرفتن به سفر است. چون معتقد بودند سفر در این روز حتماً با حادثه همراه خواهد بود. از آن‌جا که اعتقاد بر این بوده است که در این شب هر اتفاق بدی بیافتد تا آخر سال دام‌نگیر خانواده‌ها خواهد بود. در نتیجه اهل خانواده در این شب سعی می‌کردند از هر بحث و جدلی بپرهیزند و گمان می‌کردند اگر که روزهای نوروزی بویژه سیزده‌هم آن با اندوه و ناراحتی همراه شود، بقیه‌ی سال نیز همان‌گونه خواهد گذشت و بسیاری از این باورها هنوز هم پایرجاست.

جعفر شهری در کتاب تهران قدیم در مورد جادو جنبل‌ها و خرافه‌های این روز گفته است: گاهی این روز را مناسب‌ترین روز برای تفرقه می‌دانستند و برای این منظور دو سوسک سیاه را که در این روز سرخاب و سفیداب کرده‌اند، اسم اشخاص موردنظر را بر رویشان گذاشته و نزدیک فرونشستن آفتاب از پشت به یک‌دیگرشان بسته و شب در خانه‌ی فرد مورد نظر می‌انداختند. در جایی دیگر از کتاب آمده است: مردم تهران هم‌زمان با طلوع آفتاب بهاری روز سیزدهم لباس سبک بهاری پوشیده، کلاه‌نمدی به سر گذاشته، قبای سه چاکلی یقه هفت تا بالای زانو و شال‌های نازک و فلماکار و اطلس و مانند آن، به تن کرده و گیوه در پای و بدون جوراب به راه می‌افتادند و سینه جلو داده و هر چه بیش‌تر خود را به اعماق دشت و دمن می‌رساندند، چرا که آنان نیز مانند نیاکان‌شان اعتقاد داشتند که در این روز باید به دل طبیعت زد و نحسی

در فرهنگ اساطیری برای رسم‌های سیزده‌به‌در معنی‌های تمثیلی آورده‌اند که پاره‌ی از آن‌ها به این قرار است: «شادی و خنده» در این روز به معنی فروریختن اندیشه‌های تیره و پلیدی‌ست، روبوسی نماد اُستی و به منزله‌ی پاکیزه گردانیدن روح و نفس، خوردن غذا در دشت نشانه‌ی فدیة گوسفند بریان، به آب‌افکندن سبزه‌های تازه‌رسته، نشانه‌ی دادن هدیه به ایزد آب، گره‌زدن سبزه برای باز شدن بخت و تمثیلی با مفهوم پیوند زن و مرد برای تسلسل نسل‌ها و انجام مسابقه بویژه اسب‌دوانی یادآور کشمکش ایزد باران با دیو خشکسالی‌ست.<sup>۱۰</sup> کاشتن سبزه قبل از عید نوروز خود نشان از اندیشه‌ی دارد، شاید از آن‌جا که در ایران باستان سبزه و رنگ سبز طراوت و شادابی‌اش رنگ مقدس شمرده می‌شد، یکی از لوازم سفره‌ی هفت‌سین قرار گرفت. سبزه نمادی از شادابی و سرسبزی، فراوانی و برکت سال است. و سبزکردن غلات، نوعی یادآوری به زمین برای باروری محسوب می‌شود.

در گذشته رسم بر آن بوده است که قبل از نوروز ۱۲ نوع از حیوانات (به نیت ۱۲ ماه سال) و گاهی نیز به نسبت هفت امشاسپند «اوشته» هفت نوع غله را سبز می‌کردند و هر کدام از آن سبزه‌ها که رشد بیش‌تری پیدا می‌کرد، نشانه‌ی فراوانی آن نوع غله بود و پس از پایان سیزدهمین روز نوروز، سبزه را در کنار نهرها می‌گذاشتند و یا به اولین جوی روان می‌سپردند.<sup>۱۱</sup>

بعضی این‌گونه می‌اندیشند که دادن سبزه به آب، خاطرات بد سال کهنه را می‌شوید و از یاد می‌برد و بعضی بر این باورند که با این عمل سبزی بهار از طریق رود به سراسر زمین منتقل می‌شود و طراوت و شادابی به طبیعت بازمی‌گردد.<sup>۱۲</sup> به اعتقاد برخی از ایرانیان نحسی روز سیزدهم سال نو در صورتی

سیزده را زدود.

یکی دیگر از رسم‌های به‌جای مانده از دوران کهن، روشن نگاه داشتن آتش افروخته شده در شب چهارشنبه سوری تا روز سیزدهم فروردین است و اعتقاد داشتند که در این روزها ارواح برای سرکشی و دیدار به خانه بستگان می‌آیند.<sup>۱۶</sup>

هنوز تاریخچه‌ی درستی درباره‌ی نحوست سیزده‌به‌در در میان تیره‌های ایرانی یافت نشده است. در میان هر ملتی ممکن است بعضی اعداد دارای قداست باشند و بعضی اعداد دارای نحوست ولی هرچه که باشد، قطعاً در اندیشه‌ی ایرانیان باستان سیزده‌به‌در روز نحسی نبوده است.

می‌گویند در دربار شاهان هخامنشی ۱۲ ستون برپا بود که ۲۵ روز مانده به نخستین روز بهار در هر ستون بذرهای چندگونه گیاه مختلف را که از ارزش بیش‌تری برخوردار بودند در هر ستون می‌کاشتند. ششمین روز نوروز هم چند تن از خیرگان و دانایان به بررسی جوانه‌های عمل آمده می‌پرداختند. بدین ترتیب مقاوم‌ترین و بهترین گونه‌ی گیاهان مورد نظر را که بهتر رشد کرده بودند، انتخاب و برای کشت و استفاده‌ی عمومی در اختیار کشاورزان سرزمین ایران قرار می‌دادند. این سیزده‌ها تا سیزدهمین روز نوروز، تحت مراقبت بودند و سرانجام روز سیزده‌به‌در این سیزده‌ها در رودهای خروشان که نشانه‌ی از روشنی و بهروزی و برکت بودند، رها می‌گشتند.

در روایت دیگر آمده است که این آیین کهن ایرانی ریشه در یک رسم بابلی دارد، به این صورت که بابلی‌ها در روز به‌خصوص بت‌هایشان را از بتکده بیرون آورده و کنار جوی آب و یا سیزه قرار می‌دادند و در حوالی بت‌ها به شادی و پای کوبی می‌پرداختند و بت‌ها را تا صبح بیرون از بتکده نگاه می‌داشتند تا نحسی آن به‌در رود. بعد از آن ایرانیان معادل آن روز را سیزده نوروز برگزیدند و برای دفع نحوست این روز از خانه خارج شده و به دامان طبیعت می‌رفتند.<sup>۱۷</sup>

در جشن آدونیس<sup>۱۸</sup> که یکی از رسم‌های رایج بوده است تخم گیاهان را کشت می‌کردند که طی هشت روز خوب رشد می‌کرد. آن‌گاه آن سبزه را همراه با تندیس آدونیس به کنار رود و دریا برده و به آب می‌دادند و بدین وسیله طلب باران می‌کردند.<sup>۱۹</sup>

در گذشته در مقابل روز سیزده‌به‌در بعد از آن چهارده به تو نام نهاده بودند و اگر ممکن می‌شد از خانه و یا شهر خارج نمی‌شدند و در همین روز سبزه‌هایی را به دور می‌انداختند که البته این رسم اکنون منسوخ شده است.

### نحسی سیزده‌به‌در

همان‌گونه که در پیش گفتیم، ایرانیان باستان برخلاف آن‌چه امروز متداول است نه تنها روز سیزده‌به‌در را نحسی نمی‌دانستند، بلکه آن‌را بسیار نیکو و خجسته نیز می‌دانستند.

در کتاب‌های تاریخی آمده است: در سال ۵۲ میلادی یونانیان روز سیزده نوروز را به‌عنوان عدد نحس وارد فرهنگ ایرانیان کردند. به این ترتیب از آن سال‌ها به بعد و با استناد به همین اعتقاد، روز سیزدهم فروردین تمام ایرانیان دست از کار و زندگی روزمره کشیده و پس از



تدارک دیده بودند، راهی دشت و صحرا و باغات شده و آن روز را به این ترتیب سپری می‌کردند.

یکی دیگر از دلایل اعتقاد به نحوست روز سیزده‌به‌در شاید در آن باشد که ستاره‌شناسان قدیم معتقد بودند که این روز مصادف است با روز استقبال، یعنی روزی که آفتاب و ماه روبه‌روی هم قرار می‌گیرند و از آن‌جا که در نظر آنان روز استقبال روزی نحس بود، بنابراین روز سیزده فروردین را روزی نحس قلمداد می‌کردند. البته اعتقاد به نحوست در یک روز معینی در میان ملت‌های مختلف وجود دارد. مثلاً اروپاییان و مسیحیان معتقدند که در روز معین در ماه آوریل حتماً دروغ بگویند تا نحسی آن روز از بین برود که این مورد به «دروغ آوریل» مشهور شده است و جالب آن‌که این روز مصادف با سیزدهم فروردین است.<sup>۲۰</sup>

در قدیم شهرها دارای دروازه‌های متعددی بودند، روز سیزده می‌بایست هر کس از دروازه‌ی بیرون رود و از دروازه‌ی دیگر مراجعت کند تا بدین جبهه دیو شربری را که همراه او دم دروازه خروجی مانده است در بقیه‌ی سال پشت دیوار شهر به انتظار باقی بماند و او سال خوبی داشته باشد، پس مردم قدیم معمولاً از روی بی‌اطلاعی سیزده را نحس می‌خواندند و از خانه بیرون رفتن را برای دور کردن دیو شیاطین می‌دانستند.<sup>۲۱</sup>

در کتاب *آثارالباقیه* ابوریحان بیرونی، روز سیزدهم نوروز بسیار خجسته و نیک و در حقیقت به منزله‌ی جشن بزرگ است. بیرونی، نوشته است: این روز بسیار نیکو و خرم است و به هیچ وجه کراهت ندارد: ایرانیان قدیم بعد از ۱۲ روز جشن و شادی که به یاد دوازده ماه از سال

می‌باشد، روز سیزدهم نوروز را که روزی فرخنده و نیک است به باغ و صحرا رفته و شادی می‌کردند و برای بارش باران دعا می‌خواندند و بدین ترتیب رسماً دوره‌ی جشن نوروز را به پایان می‌رساندند.

به هر روی روز سیزدهم نوروز، برخلاف آن چه مشهور است، در آیین ایران باستان روز خجسته و نیکویی ست و ایرانیان قدیم این روز را به باغ و کوه و دشت‌ها می‌روند تا شکوه طبیعت که مظهر صفا و نعمت‌های آهورایی ست، سپاسگذار آفریدگار پاک باشند.

## سخن آخر

آیین‌های نوروزی و باستانی نیاکان ما گرچه در طول زمان به صورت ماهیتی و شکلی تغییراتی کرده باشد اما در اصل وجود آنها تغییری به وجود نیامده است و مراسم سیزده بدر هم اگر در گذشته رسمیهایی برای شکرگذاری از الهه‌ی باروری زمین و خواندن دعای باران و نیایش ایزد باران بوده و یا جشن آغاز کار کشاورزی؛ یا اینکه روزی برای دور کردن نحوست عدد سیزده و یا شاید نحوست تنها پنهان‌های بوده برای رفتن به آغوش طبیعت با تعبیرهای گوناگون از روز سیزده آن چه که مهم است آیینی زیبا به نام سیزده بدر در میان تیره‌های ایرانی در فلات ایران وجود دارد که می‌تواند سبب نزدیکی و یکدلی هر چه بیشتر این تیره‌ها باشد و در سایه‌ی این روز دل به طبیعت سبز و خرم می‌دهیم تا بتوانیم از شادابی آن بهره‌مند شویم. ■

## پی‌نوشت‌ها

۱- احمد و کیلیان، «نوروز» نشریه‌ی جهانگردان شماره ۱۴، ۲- محمدرضا کاظمیان، «نوروز حلقه پیوستگی اقوام ایرانی» کیهان هوایی، شماره ۱۷۳۱، ۳- سمیه فلسفی، «نوروز این دیرپای‌ترین آیین بشری» توسعه، ۸۲/۱۲/۲۷، ۴- «نوروز جشن نورایی، پیام آبادگران، شش ۱۸۴ و ۱۸۵، ۵- ابوریحان بیرونی، آثارالباقیه، ترجمه اکبر دانا سرشت، ص ۴۲۲، ۶- سودابه رحمدل، «سیزده بدر، روزی برای از بین بردن نحسی یک سال» نشریه‌ی هم‌میهن، ۷۹/۱/۹، ۷- شهاب کلانتر، «میترا شجاعی، سیزده به در، پیوند انسان و طبیعت روزنامه‌ی خرداد، ۷۸/۱/۱۴، ۸- همان، ۹- جشن آب و سبزه، پیوند انسان و طبیعت روزنامه‌ی خرداد، ۷۸/۱/۱۴، ۸- همان، ۹-

مهرنوش رجایی، نوروز آیینی کهن: از چهارشنبه سوری تا سیزده بدر، همشهری، ۸۰/۱۲/۲۵، ۱۰- سودابه رحمدل، همان، ۱۱- همان، ۱۲- آرمان داریوش، پیشینه‌ی تاریخی سیزده بدر، روزنامه‌ی ایران، ۸۱/۱/۱۴، ۱۳- محمدرضا کاظمیان، همان، ۱۴- سودابه رحمدل، همان، ۱۵- همان، ۱۶- آرمان داریوش، همان، ۱۷- سودابه رحمدل، همان، ۱۸- همان، ۱۹- آذونیس یکی از اسطوره‌های سوربانی و شرقی است، ۲۰- ندا جورابچی «سیزده بدر» نشریه‌ی فرزند سالم، ش ۱۸، ۲۱- همان، ۲۲- داریوش آرمان، همان، ۲۳- همان، ۲۴- سودابه رحمدل، همان، ۲۵- ندا جورابچی، همان

## منابع

- ۱- مسعود فقیه، نوروز گرمی‌ترین و ماندگارترین عید ایرانیان، نشریه‌ی گزارش، شش ۱۰۹ و ۱۱۰.
- ۲- سرگرد اورنگ، جشنهای ایران باستان، اسفند ۱۳۳۵ خورشیدی، نشریه‌ی گزارش، ش ۴۹ و ۵۰.
- ۳- محمود روح‌الامینی، آیینها و جشن‌های کهن در ایران امروز (نگرش و پژوهشی مردم شناختی)، تهران - نشر آگه، ۱۳۷۶.
- ۴- محمدجعفر یاحقی، فرهنگ اساطیر و داستان‌واژه‌ها در ادبیات فارسی، تهران فرهنگ معاصر - ۱۳۸۶، تهران. هم‌او، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران، وزارت آموزش عالی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی سروش، ۱۳۶۹.
- ۵- احمد و کیلیان، نوروز، نشریه‌ی جهانگردان، شماره ۱۴.
- ۶- محمدرضا کاظمیان، نوروز حلقه‌ی پیوستگی اقوام ایرانی کیهان هوایی شماره ۱۷۳۱.
- ۷- نوروز جشن نورایی پیام آبادگران شش ۱۸۴ و ۱۸۵.
- ۸- ابوریحان بیرونی، آثارالباقیه، ترجمه اکبر دانا سرشت، ص ۴۲۲.
- ۹- سودابه رحمدل، سیزده بدر روزی برای از بین بردن نحسی یک سال، نشریه‌ی هم‌میهن ۷۹/۱/۹.
- ۱۰- شهاب کلانتر، میترا شجاعی، سیزده به در جشن آب و سبزه، پیوند انسان و طبیعت روزنامه‌ی خرداد، ۷۸/۱/۱۴.
- ۱۱- مهرنوش رجایی نوروز آیینی کهن: از چهارشنبه سوری تا سیزده بدر همشهری، ۸۰/۱۲/۲۵.
- ۱۲- آرمان داریوش پیشینه تاریخی سیزده بدر ایران، ۸۱/۱/۱۴.
- ۱۳- ندا جورابچی «سیزده بدر» نشریه‌ی فرزند سالم، ش ۱۸.
- ۱۴- جعفر شهری، گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی تهران قدیم، تهران ۱۳۷۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی



گوشه‌یی از  
دیدار نوروزی  
در دفتر  
ماهنامه‌ی  
حافظ: ششم  
فروردین  
۱۳۸۷